

روزشمار جنگ

سه‌شنبه

۱۵ مرداد ۱۳۶۴

۱۸ ذی‌قعدة ۱۴۰۵

۶ اوت ۱۹۸۵

۵۰۳

صبح امروز در جلسه‌ای با شرکت همه فرماندهان و مسئولان تیپ الغدير، هر کدام از حاضران با تشریح مأموریت خویش، آمادگی خود را جهت اجرای عملیاتی که امشب قرار است در هور، برای تصرف پاسگاه "الیج" انجام شود، اعلام کردند.^(۱) این عملیات را "قدس ۵" نامیده‌اند. قبل از این و در همین منطقه، دو عملیات قدس ۱ و قدس ۲ نیز به‌همت لشکر ۲۵ کر بلا انجام گرفته‌است.^(۲)

روز گذشته پس از آخرین بررسی‌ها درخصوص آمادگی عمومی تیپ‌الغدير جهت اجرای عملیات، به نیروهای آن، آماده‌باش صددرصد داده شد.^(۳)

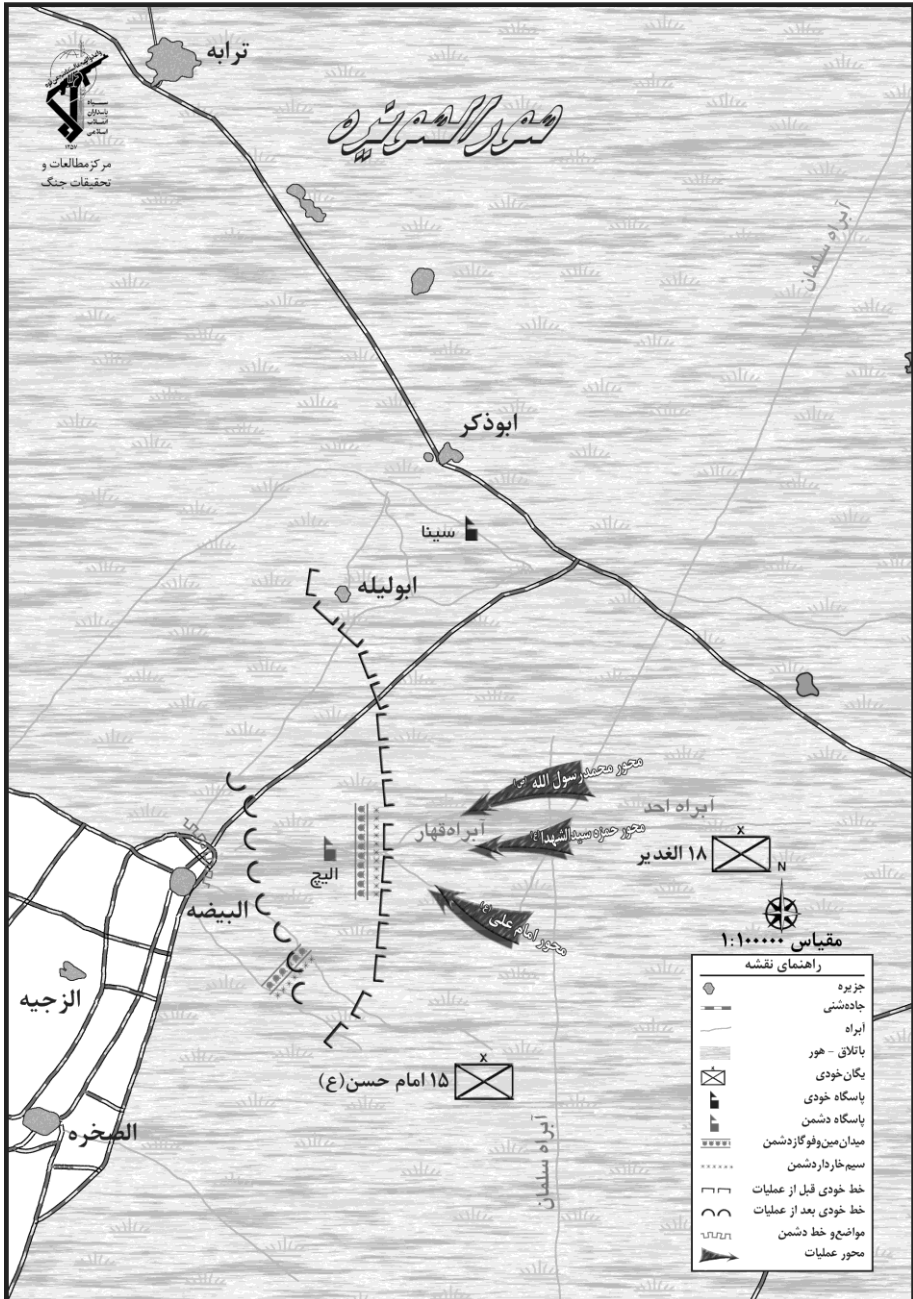
براساس طرح قرار است گردان‌های امام علی^(ع)، جندالله و حر و نیز تعدادی نیروهای ویژه غواص، از طریق سه محور حضرت رسول^(ص)، حمزه سیدالشهدا^(ع) و امام علی^(ع) عملیات را انجام دهد.^(۴)

ابتدا تیم شناسایی، تیم تخریب و تیم غواصی به‌عنوان جلودار با پاک‌سازی آب‌راه‌ها از سیم‌های خاردار و مین‌ها و بشکه‌های انفجاری و با غافل‌گیر کردن نگهبانان، خط دشمن را می‌شکنند، سپس با صدای تکبیر اینان، نیروهای تکور قایق‌سوار حمله خود را شروع کنند و به انهدام مواضع دشمن، تصرف و پاک‌سازی آن بپردازند.^(۵)

زمان برآورد شده جهت رسیدن به خط پدافندی دشمن، از محورهای حضرت رسول^(ص) و حمزه سیدالشهدا دو ساعت و در محور امام علی^(ع) سه ساعت است که با توجه به آن، زمان درگیری و شروع عملیات را قرارگاه سلمان ساعت ۲۱ امشب (سه‌شنبه ۱۳۶۴/۵/۱۵) تعیین کرده‌است.^(۶)

از ساعت ۱۸ تا ۱۹ نیروهای عمل‌کننده حرکت خود را به طرف دشمن آغاز کرده‌اند. در محور امام علی^(ع) به دلیل بعد مسافت، نیروها از ساعت ۱۸ و در دو محور دیگر (حضرت رسول^(ص) و حمزه) از ساعت ۱۹ در آب‌راه‌ها شروع به حرکت کرده‌اند. نیروها در دو محور کوتاه‌تر، پس از پشت سر گذاشتن پاسگاه‌های خودی وارد مسیرهای‌شان شدند و بدون هیچ

عملیات قدس ۵



حادثه‌ای به نزدیکی دشمن رسیده‌اند، اما در اعلام آمادگی نیروهای محور امام علی (ع) تأخیر شده‌است. سرانجام در ساعت ۲۳ پس از پی‌گیری فرماندهی تیپ و انتظار چند ساعته نیروها در محورهای حضرت رسول (ص) و حمزه (ع)، محور امام علی (ع) نیز اعلام آمادگی می‌کند و بی‌درنگ با قرائت رمز عملیات (یا علی ادرکنی)، آغاز درگیری اعلام می‌شود و نیروهای جلودار غواص و سپس نیروهای بلم‌سوار اقدامات خود را طبق طرح شروع می‌کنند. چنان که گفته شد، "تکبیر" رمز بین غواص‌ها و نیروهای تک‌ور است که غواص‌ها در صورت موفقیت در انهدام دشمن و گرفتن جاپا، جهت شروع پیشروی نیروهای تک‌ور بلم‌سوار، اعلام می‌کنند.

پس از سقوط خط مقدم دشمن، با تکبیر غواصان، نیروهای تیپ در مجموع ظرف یک ساعت درگیری موفق می‌شوند علاوه بر تصرف کامل پاسگاه البیج، کمین‌ها و پاسگاه‌های اطراف آن را تا ۱/۵ کیلومتری البیضه پاک‌سازی کنند و در یک آبراه اصلی در دو کیلومتری البیضه با ایجاد موانع و استقرار کمین، خط پدافندی خود را شکل دهند و در آن‌جا مستقر شوند.^(۷)

به گزارش راوی مرکز در این عملیات، نتایج کلی "قدس ۵" چنین است: منطقه آزاد شده: حدود ۳۰ کیلومترمربع دیگر از هور (از جمله پاسگاه البیج و پاسگاه‌های فرعی اطراف آن).

تلفات دشمن: ۵۱ کشته و ۱۸ اسیر (که چهار نفر از آنان مجروح‌اند).
 غنائم: تعدادی سلاح از جمله ۲ قبضه خمپاره ۶۰ و ۸۱ و ۲ قبضه سلاح ضد هوایی تک لول.
 ضایعات خودی: ۳۸ شهید (که همگی به عقب برده شده‌اند) و ۶۰ مجروح.
 خسارات خودی: تعدادی قایق که بر اثر ترکش گلوله‌های توپ و خمپاره و ... منهدم شده‌اند.^(۸)
 یادآوری می‌شود که تیپ ۱۵ امام حسن (ع) نیز مأموریت داشت با انهدام کمین‌های دشمن در آبراه‌های تعیین شده و استقرار در آن‌ها، ضمن منهدم کردن عناصری از دشمن، جناح چپ تیپ الغدیر را تأمین کند. تیپ امام حسن (ع) با دستیابی نسبی به اهداف خود، در امتداد خط تیپ الغدیر (کمی عقب‌تر از محل کمین‌های دشمن) به پدافند و تحکیم مواضع مشغول است.^(۹)

۵۰۴

روزنامه "کیهان" امروز از یک عملیات که در چند روز اخیر در منطقه "آق‌دره" از توابع شهرستان تکاب انجام شده است، خبر داد. طبق این گزارش، در این عملیات بیش از ۲۵ تن از ضدانقلابیون هلاک شده‌اند و مقادیر قابل توجهی سلاح، مهمات و اسناد و مدارک درون گروهی متعلق به دمکرات‌ها به دست آمده‌است. در میان کشته‌شدگان، اجساد "سیدکمال حیدری" مسئول تشکیلات منطقه صائین‌دژ و تکاب، "افشار حسن استادی" مسئول کمیته

بخش شهرستان و "فرج زارع" مسئول شاخه نظامی دمکرات‌ها و چندین عنصر شاخص ضدانقلاب دیگر شناسایی شده‌است.^(۱۰)

۵۰۵

در سمینار چهار روزه فرماندهان گروه‌های مقاومت بسیج که با عنوان ثامن‌الائمه در مشهد آغاز شده‌است، آقای "محلّاتی" نماینده امام در سپاه پاسداران، در سخنانی گفت: «ما امروز به شخصیت سیاسی رسیده‌ایم و تنها کشوری هستیم که در جهان استقلال سیاسی واقعی داریم و به شرق و غرب وابسته نیستیم.» وی افزود: «حکومتی که براساس اعتقاد است، از جنگ خسته نخواهد شد و سازش نخواهد کرد.»

در این سمینار، فرمانده کل سپاه "محسن رضایی" نیز در سخنرانی خود گفت: «دنیا تا زمانی که به منابع کشور ما برنگردد، دست از کشتار ما برنمی‌دارد و ما هم تا زمانی که به حکومت جهانی اسلام نرسیم، دست‌بردار نیستیم.» وی با اشاره به این که این درگیری قومی و سیاسی نیست بلکه یک اختلاف ریشه‌ای فکری می‌باشد، افزود: «جنگ ما با صدام سه سال پیش زمانی که خرمشهر آزاد شد، تمام شد و صدام مرد؛ امروز در واقع صدام وسیله‌ای است برای پیش‌برد مقاصد پلید ابرقدرت‌ها.»^(۱۱)

۵۰۶

درباره دست‌یابی احتمالی عراق به بمب اتمی و نیز برخی تدابیر ایران جهت مقابله با خطرهای احتمالی آن، رادیو بی.بی.سی. تفسیری پخش کرد که در آن آمده‌است: «مقامات ایران آموزش‌هایی را آغاز کرده‌اند که هدف آن آشنا کردن ارتشیان و غیرنظامیان با اثرات بمب اتم و چگونگی محافظت خود در صورت حمله عراق به ایران با بمب اتمی است. رادیو ایران روز بیستم ژوئیه (۱۳۶۴/۴/۲۹) در برنامه‌ای اصول دفاع غیرنظامی را پخش کرد و در سه هفته گذشته سمینارهایی در تهران و سایر شهرهای ایران برای آشنا کردن پاسداران با خطرات جنگ شیمیایی، میکروبی و اتمی تشکیل شده‌است. هم ایران و هم عراق پیمان بین‌المللی عدم استفاده از اتم و تولید اسلحه را امضا کرده‌اند، اما ظاهراً دولت عراق بی‌میل نیست که سلاح اتمی داشته‌باشد. قریب به پنج سال پیش بعد از شروع برخوردهای مرزی ایران و عراق، "صدام‌حسین" رئیس‌جمهوری عراق، ضمن مصاحبه با روزنامه "تایمز" لندن گفته‌بود که عراق قصد تولید بمب اتمی ندارد، اما اگر کشوری بخواهد با عراق دشمنی کند، ممکن است در آینده خیلی نزدیک با عراق دیگری روبه‌رو شود.

رهبران عراق که حاضر به استفاده از سلاح‌های شیمیایی بوده‌اند، بعید نیست که اگر با حمله عظیمی از طرف نیروهای ایران روبه‌رو شدند، چنانچه بمب اتمی به دست‌شان برسد، از منفجر کردن آن هم روگردان نباشند. اما برخی کارشناسان اتمی دیگر معتقدند که عراق

امکانات ساخت این بمبها را ندارد. به نظر آنها، مأموران اسرائیلی در بین متخصصان اتمی عراق رخنه کرده‌اند و اگر عراق توانسته بود بمب اتمی بسازد حتماً اسرائیل خبردار می‌شد و درصدد انهدام آن برمی‌آمد.

بعضی ناظران عقیده دارند که اشارات اخیر ایران به دفاع اتمی و امکان حمله آتی عراق، ممکن است صرفاً وسیله‌ای برای تبلیغات و جلب توجه بین‌المللی به این موضوع و در عین حال اطمینان دادن به مردم ایران باشد که رهبران ایران حتی به فکر پیش‌گیری از خطر حمله اتمی عراق‌اند.^(۱۲)

روزنامه "سوئدتمپس" نیز به نقل از "لوس‌انجلس تایمز" - که به نوعی خبر فوق را درج کرده - نوشته‌است: «مقامات امریکایی نسبت به دست یافتن رژیم عراق به بمب اتم مردد هستند».^(۱۳) دربارهٔ تسلیح اتمی عراق، گزارش‌های متنوعی را رسانه‌های خبری جهان منعکس می‌کنند، از جمله یونایتدپرس: «دو ایرانی وارد در کار قاچاق اسلحه، تلاش کرده‌اند که به خاطر جنگ پنج‌ساله ایران و عراق چاشنی بمب‌های هسته‌ای را به عراق بفروشند. (به گفته آنها) یکی از دلایل اساسی این طرح این بوده که با مجهز شدن یکی از دو کشور به سلاح اتمی، کشور دیگر بیم‌ناک شده و جنگ را قطع می‌کند. یک بازرس فدرال می‌گوید این وسیله چاشنی یک دستگاه پیچیده است که مایه اصلی یک بمب اتمی است و اگر کشوری به آن دست یابد، ساختن یک بمب کار نسبتاً آسانی است».^(۱۴)

۵۰۷

مشکلات تسلیحاتی ایران یکی از موضوعات تقریباً دائمی در گزارش‌های رسانه‌های خبری جهان است. امروز روزنامه سوئدی "سوئدتمپس" در گزارشی با عنوان "سلاح امریکایی به ایران در قبال عراق برتری داده است" نوشته:

«بایکوت فروش تسلیحات نظامی امریکایی به ایران و تلاش این کشور در صحنه جهانی برای جلوگیری از دستیابی ایران به تسلیحات نظامی - که بخشی از تلاش امریکا جهت ممانعت از پیروزی ایران بر عراق می‌باشد - رژیم خمینی را به خرید گران قطعات یدکی از بازار سیاه مجبور ساخته‌است».

به نوشته این روزنامه، یک سخن‌گوی کمیسیون خارجه کنگره امریکا گفته‌است: «ما تمام سعی خود را برای جلوگیری از رسیدن سلاح و لوازم یدکی به ایران برای مجبور ساختن ایران به پایان دادن به جنگ، انجام می‌دهیم. ما یک راه‌حل صلح‌آمیز می‌خواهیم و عراق نیز همین را می‌خواهد. مسئله این‌جاست که بتوانیم به ایرانیان بفهمانیم نمی‌شود در جنگ پیروز شوند».

تمپس در آخر افزوده است: «دستیابی به تجهیزات نظامی امریکا برای اهداف ایران در پیروزی در جنگ و سپس گسترش انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی به کشورهای حوزه خلیج فارس، تعیین کننده‌است».^(۱۵)

۵۰۸

امروز با حضور "رونالد ریگان" رئیس‌جمهوری آمریکا، "مک‌فارلین" مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور، "جورج شولتز" وزیر خارجه، "کاسپار واینبرگر" وزیر دفاع، "دونالد ریگان" رئیس کارکنان کاخ سفید، "جان پویندکستر" قائم‌مقام شورای امنیت ملی و "جان مک‌ماهون" از سازمان سیا، جلسه‌ای در کاخ سفید تشکیل شد. در این جلسه، مک‌فارلین ارسال پنهانی اسلحه به ایران را پیشنهاد کرد، اما شولتز و واینبرگر به شدت با آن مخالف بودند، در حالی که بقیه اعضا با اکراه موافقت خود را با شروع ارسال اسلحه اعلام کردند.^{(۱۶)*}

۵۰۹

مجله "عربیا" در آخرین شماره خود گزارشی از آخرین تحولات در روابط فرانسه و ایران درج کرده که در آن آمده‌است: «ژان پرن» کاردار سفارت فرانسه در تهران، در یک سخنرانی اعلام کرد که با روی کار آمدن آقای "دوما" به‌عنوان وزیر خارجه، جو جدیدی در روابط میان دولت سوسیالیست "فرانسوا میتران" و نظام اسلامی در ایران، به وجود آمده است. خبرگزاری ایران خیلی خلاصه و محدود این خبر را پخش کرد.»

این مجله سپس به سابقه موضوع و بررسی سیر روابط دو کشور پرداخته است:

«روابط ایران و فرانسه در زمان جنگ خلیج‌فارس به تیرگی گراییده و این به علت علایق و منافع اقتصادی فرانسه در اردوگاه اعراب بوده‌است. در طول جنگ، عراق سلاح‌های مدرن و پیشرفته زیادی از فرانسه گرفته است، این درست در زمانی بود که دولت ایران در حال جنگ و تحت عواقب ناشی از تحریم اقتصادی قرار داشت. فرانسوا میتران در هنگام دیدار از مصر، از حمایت کاخ الیزه نسبت به عراق کوتاهی نکرد و با صراحت بر آن تأکید کرد. در طول پنج سال گذشته، فرانسه منبع اصلی تأمین سلاح‌های دولت بعث حاکم بر عراق بوده و مجموع خریدهای نظامی و تسلیحاتی عراق از مبلغ ۴۶ میلیارد فرانک در سال ۱۹۸۲ به ۶۱ میلیارد در سال ۱۹۸۴ رسیده است.

مسئله دوم در تیرگی روابط ایران و فرانسه، حمایت بی‌دریغ دولت فرانسه از گروه‌های مخالف و ضدانقلاب ایران به خصوص مجاهدین خلق، بوده‌است. رهبر آن‌ها بعد از ورود به فرانسه تحت محافظت شدید دولت قرار گرفت و در حومه پاریس اسکان داده شد. دولت فرانسه یک کادر شامل هفتاد نفر پلیس و دو مأمور ویژه ضدتروریست را روز و شب به محافظت خانه وی گماشت.

ژان پرن در مصاحبه خود اعلام داشت که حمایت فرانسه از مخالفین ایران، نه تنها آن‌ها

* ضمیمه دارد؛ ضمیمه گزارش ۵۰۸: گزارشی از ماجرای مک‌فارلین، ص ۶۳۹.

را در فرانسه سرپا نگه‌داشت، بلکه باعث شد تا در داخل ایران نیز بعضی تحولات تحت تأثیر اعمال آن‌ها به وجود آید.

سرنجام در اوایل فوریه، اغلب نگهبانان و دو مأمور ویژه ضد تروریست از اطراف خانه رهبر گروه موسوم به مجاهدین برداشته و تنها بیست نگهبان در حال حاضر از محل سکونت وی محافظت می‌کنند. آیا این چرخشی در موضع‌گیری فرانسه نسبت به دولت ایران نیست؟

مجلسه عربی در ادامه افزوده است: «ژان پرن بعد از ملاقات با حجت‌الاسلام "هاشمی‌رفسنجانی" رئیس مجلس شورای اسلامی ایران - که در تاریخ ۳۰ مارس (۱۲ فروردین ۱۳۶۳) صورت گرفت - اعلام کرد از زمان انتصاب آقای دوما به پست وزارت خارجه، جو جدیدی در روابط ایران و فرانسه به وجود آمده‌است. ژان پرن گفت بلافاصله بعد از زمان روی کار آمدن دوما، وی را به پاریس احضار و اعلام کرد که با "مقامات دولتی ایران در رابطه با روابط فیما بین به گفت‌وگو بنشینیم و از من خواست به اطلاع رهبران ایران برسانم که دولت فرانسه علاقه‌مند به گسترش روابط با ایران است." به‌نوشته عربی، پرن افزوده است: «هر چند گروه‌های مخالف دولت ایران با احزاب سوسیالیست فرانسه و اروپا روابط خوبی دارند، اما ما سعی کرده‌ایم حتی الامکان فعالیت آن‌ها را محدود سازیم و موضع خصمانه دولت فرانسه نسبت به جمهوری اسلامی ایران به آن علت بوده‌است که مخالفین این نظام در فرانسه چهره انقلاب اسلامی را به طرز دیگری تحریف و نشان داده بودند.

آقای هاشمی‌رفسنجانی به من (پرن) گفت: "کشتی‌های ما در خلیج فارس به وسیلهٔ موشک‌های شما مورد هدف قرار می‌گیرد، پول‌های ما در بانک‌های شما بلوکه شده‌است، دشمنان تروریست ما، کسانی که بهترین یاران و رهبران انقلاب اسلامی را شهید کردند، اکنون تحت محافظت دولت شما قرار دارند. در میان کشورهای اروپایی، فرانسه بدترین سیاست را علیه ما اتخاذ کرده‌است، در حالی که می‌توانست مانند انگلستان و آلمان محتاطانه عمل کند."

در ادامهٔ گزارش آمده‌است: «بعد از سخنان رئیس مجلس ایران، "علی‌اکبر ولایتی" وزیر امور خارجهٔ ایران اعلام کرد که در روابط میان ایران و فرانسه تغییراتی به وجود آمده‌است. وی در مصاحبه با لوموند گفت: "ما توجه کرده‌ایم که فرانسه روابط نظامی‌اش را با عراق محدود ساخته‌است و فکر می‌کنیم این مرحلهٔ مثبتی است." فرانسه از اکنون از تحویل سلاح‌های پیچیده زیاد به عراق خودداری می‌کند و گفته می‌شود این شامل موشک‌های اگزوسه نیز می‌باشد. در هر حالت، تغییر سیاست فرانسه در مورد ایران کاملاً قابل درک است و دلایل متعددی بیان‌گر این مسئله است: اول به علت استواری و ثبات نظام اسلامی ایران که پس از گذشت بیش از پنج سال جنگ این نظام علی‌رغم محدودیت سلاح و تحریم اقتصادی و قیمت‌های سرسام‌آور سلاح در بازار سیاه، محکم و پابرجا ایستاده است و اقتصاد

آن، اثرات جنگ را با موفقیت تحمل نموده‌است، علاوه بر این، کاخ الیزه عزم راسخ عمومی در ایران را در ادامه جنگ به خوبی درک کرده‌است. به علاوه، مخالفین دولت میتران و افکار عمومی در فرانسه چنین حمایت گسترده‌ای را از عراق نمی‌پسندد. سرانجام آن چیزی را که ناظران در سال ۱۹۸۲ و مخصوصاً ۸۳ به دولت فرانسه هشدار می‌دادند، آغاز شد، یعنی این که ایران قدرت لاینفک در منطقه خلیج فارس بوده و خواهد بود و این چیزی است که دولت فرانسه مجبور خواهد بود روی آن حساب کند.»

ژان پرن همچنین دربارهٔ اختلاف مالی ایران و فرانسه گفته است: «جدا از مسائل سیاسی، در روابط فرانسه و ایران یک اختلاف مالی نیز وجود دارد و آن یک میلیارد دلار بلوکه شده ایران است که در زمان رژیم شاه به یک کمپانی فرانسوی وام داده شده بود. ایران علاوه بر آن حدود سیصد هزار دلار بهره آن را نیز مطالبه می‌کند.» ژان پرن افزوده: «فرانسه مایل است این مسئله را با دولت ایران حل کند، خصوصاً در جایی که آقای رفسنجانی اشاره کرد که شما در حالی که پول‌های ما را بلوکه کرده‌اید ولی برای بازپرداخت وام‌های عراق مدت مجدد قائل شده‌اید.»

مجله عربیا در آخر آورده است: «ایران مشتاق است که فرانسه حمایتش را از عراق خنثی کند و زمان آن فرا رسیده که فرانسه سیاست جدید خود را با تهران هماهنگ کند، هرچند مشکل است که با وجود روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی با عراق، به روابط مثبت با ایران نیز بیندیشند.»^(۱۷)

۵۱۰

در حالی که با اجلاس وزیران خارجه کشورهای عربی در مراکش، مقدمات تشکیل اجلاس سران عرب پیش می‌رود، امروز اعلام مواضع ایران، امریکا، لیبی، سوریه و عراق دربارهٔ این کنفرانس، از مهم‌ترین اخبار آن به شمار می‌رود. در ایران وزارت امور خارجه در این باره بیانیه‌ای بسیار شدیدالحن انتشار داد که در آن آمده‌است:

«متأسفانه کشورهای مرتجع عرب همواره به جای تقبل مسئولیت‌های خطیر خویش در دفاع از آرمان مقدس فلسطین و مبارزات ضد صهیونیستی و امپریالیستی ملت‌های مسلمان منطقه و ... نقش جنایت‌کارانه خویش را در فراهم نمودن زمینه‌های سازش و تسلیم در مقابل طرح‌های استکباری نشان داده و در تحکیم موقعیت سلطه‌جویانه رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان غربی آن و در رأس همه، امپریالیسم امریکا کوشیده‌اند و در همین رابطه اخیراً شاه مراکش با اعلام تشکیل اجلاس فوق‌العاده سران کشورهای عربی در کشور خویش، کوشیده است پیش‌تازی خود را در ایفای این نقش تسلیم‌طلبانه به اثبات برساند.»

در این بیانیه، پس از محکوم کردن برگزاری کنفرانس و این که جمهوری اسلامی و ملت‌های مسلمان اجازه نخواهند داد که آرمان فلسطین مورد سازش قرار گیرد، افزوده شده‌است:

«این اقدام و تحرک سازش کارانه در شرایطی صورت می‌پذیرد که از یک سو رژیم‌های مرتجع عربی و در رأس آن‌ها رژیم عراق در تلاش فزون‌تر نسبت به گذشته، بازگرداندن مصر به جامعه عرب و گسترش قید و بندهای تسلیم‌طلبانه "کمپ دیوید" را جست‌وجو می‌کنند و از سوی دیگر، امریکا با اجرای مانور بزرگ "ستاره درخشان" با همکاری ایادی خود در منطقه، تهاجم سیاسی، نظامی بزرگی را به منطقه آغاز نموده‌است.»

در بیانیه وزارت خارجه در مورد اهداف برگزاری کنفرانس سران عرب چنین آمده‌است: «این اجلاس چیزی جز صحنه‌گذاران بر تلاش‌های خائنانه "ملک‌حسین" شاه اردن در جهت پیوستن به مذاکرات به اصطلاح صلح با رژیم صهیونیستی و امریکا، به تسلیم کشاندن فلسطینی‌ها و در نهایت گسترش کمپ‌دیوید و ثانیاً در همین راستا بازگرداندن رژیم متعهد به کمپ‌دیوید مصر به جامعه عرب و ثالثاً دمیدن جان تازه در کالبد رژیم رو به زوال صدام در عراق نبوده و همچنان که تجربه سادات نشان داد، ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه کشورهای انقلابی و پیشرو منطقه این توطئه را نیز به شکست خواهند کشاند.»

وزارت امور خارجه در پایان این بیانیه، از کشورهای اسلامی خواسته است که جهت برپایی یک مبارزه همگانی علیه این تحرکات سازش کارانه همه امکانات خویش را برای موفقیت این مبارزات به کار اندازند.^(۱۸)

بر خلاف ایران، وزارت امور خارجه ایالات متحده امریکا تشکیل کنفرانس آتی سران عرب را یک رویداد مهم خواند. روزنامه "واشنگتن تایمز" به نقل از وزارت امور خارجه امریکا در این مورد نوشت: «کنفرانس سران عرب در کازابلانکا یک رویداد مهم به شمار می‌آید، زیرا کشورهای شرکت کننده در موقعیت ویژه‌ای هستند که بتوانند به ترتیب و پی‌گیری روند صلح بپردازند. امریکا توافق ملک‌حسین - یاسر عرفات و تلاش‌های بعدی پادشاه اردن را پیشرفته‌ترین پیشرفت به سوی صلح می‌خواند و انتظار دارد که کنفرانس سران عرب به تحکیم اساسی طرح پیشنهادی ملک‌حسین بپردازد.»^(۱۹)

از سوی دیگر، به گزارش رادیو بی.بی.سی، هم‌زمان با گردهم‌آیی سران کشورهای عربی، نشانه‌هایی حاکی از اختلافات میان آن‌ها درباره مسئله فلسطین، روند صلح در خاورمیانه و عضویت مجدد مصر در جامعه عرب، به وضوح قابل رویت است. رئیس‌جمهور سوریه با برگزاری این کنفرانس مخالفت کرده و به جز سوریه و لبنان دو کشور الجزایر و یمن جنوبی نیز تصمیم به تحریم این کنفرانس گرفته‌اند. سوریه تمام هم خود را بر این گذاشته است که کشورهای شرکت کننده در کنفرانس مراکش را تضعیف کند تا در این کنفرانس با توافقی که میان ملک حسین و یاسر عرفات مبنی بر تشکیل یک کشور فلسطینی - اردنی به وجود آمده است و الزاماً گفت‌وگو با اسرائیل را نیز در برخواهد داشت، مخالفت ورزند.

رادیو بی.بی.سی. سپس با اشاره به اتحاد کشورهای میانه‌رو عرب علیه سوریه، گفت: «این

کشورها مصالح طولیل‌المدت خود را در نظر دارند و هدف‌شان این است که مصر را دوباره به‌طور کامل به دنیای عرب راه بدهند. همچنین سوریه صراحتاً گفته است که تشکیل کنفرانس اعراب در موقعیت فعلی مسلماً به نفع آمریکا خواهد بود و نه به نفع اعراب.^(۲۰) همچنین به گزارش خبرگزاری فرانسه، روزنامه «البعث» ارگان رسمی دولت سوریه، نوشته‌است: «کنفرانس سران عرب چهار هدف عمده دارد؛ یکی از هدف‌ها این است که از صدام‌حسین در جنگی که به دستور آمریکا علیه ایران به راه انداخته است، حمایت شود.»^(۲۱) از طرف دیگر، لیبی که حضور خود را مشروط به شروطی از جمله این که «حکومت‌های عراق و اردن به دلیل اعمال خیانت‌بار خود محکوم شوند»، دانسته است، با اعزام هیئتی به سرپرستی «احمد شهابی» عضو دفتر مردمی روابط خارجی جماهیر لیبی به کازابلانکا، اعلام کرد که این هیئت وظیفه تهیه مقدمات اجلاس را ندارد بلکه قصد دارد شرایط شرکت جماهیری لیبی را در این جلسه به شرکت‌کنندگان ابلاغ کند.^(۲۲) یادآوری می‌شود که در نشست وزیران خارجه کشورهای عربی، مشاجره سختی میان «طارق عزیز» وزیر امور خارجه عراق و احمد شهابی در گرفت، در حالی که بسیاری از وزیران خارجه کشورهای عرب از طارق عزیز حمایت می‌کردند.^(۲۳)

خبرگزاری عراق به نقل از گروه خبری اعزامی خود به کنفرانس سران عرب در کازابلانکا، گزارش داد: «وزیران خارجه کشورهای عرب با پیشنهادهای «شاذلی قلیبی» دبیرکل اتحادیه عرب، برای تشکیل کنفرانسی در سطح جهان با شرکت کلیه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که در جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق فعالیت دارند، موافق می‌باشند. این منابع افزودند وزرای خارجه عرب مشغول بررسی بیانیه‌ای هستند که از سوی کنفرانس سران عرب در همین زمینه صادر خواهد شد.»^(۲۴)

۵۱۱

هیئت فلسطینی مخالف عرفات که از دو روز پیش در تهران به سر می‌برند، امروز در یک گفت‌وگوی مطبوعاتی با خبرنگاران سیاسی روزنامه اطلاعات شرکت کردند و به سؤالات آنان پاسخ دادند. این گفت‌وگوی طولانی علاوه بر تحلیل‌های مربوط به جنگ تحمیلی، در واقع مروری است بر آنچه بر لبنان و فلسطین در چند سال گذشته رفته‌است، از این‌رو بخش‌هایی از آن، باوجود تفصیل، در این‌جا آورده می‌شود.

سؤال: «به نظر می‌آید کنفرانس سران عرب در مراکش سه هدف عمده را دنبال کنند: الف) جنگ ایران و عراق، ب) بازگشت مصر به جرگه اعراب، ج) مشروعیت بخشیدن به تلاش‌ها برای مذاکره با آمریکا و در نهایت سازش با اسرائیل. به اعتقاد شما، آیا کنفرانس سران که به رغم مخالفت کشورهای مرفقی عرب، خاصه جبهه پایداری، برگزار خواهد شد، به اعتقاد شما پی‌آمدهای این اجلاس چیست؟»

ابوموسی: «در حقیقت چندی است که نیروهای مرتجع عرب، تصمیم دارند که این اجلاس را برگزار کنند، اما نیروهای مترقی مانند سوریه و جماهیر لیبی سعی می‌کنند این اجلاس را به تعویق بیندازند تا این‌که همه درک کنند که در موقعیت فعلی منطقه و شرایطی که در آن زندگی می‌کنند، برگزاری چنین اجلاسی به نفع طرح‌های امریکا خواهد بود. ما معتقدیم که تجاوز اسرائیل در سال ۱۹۸۲ به لبنان سه هدف را دنبال می‌کند:

- ۱- به زیر سلطه کشیدن فلسطینی‌ها در راستای پیمان کمپ‌دیوید.
 - ۲- به زیر فرمان کشیدن سوریه (به منظور یاد شده).
 - ۳- ایجاد یک حکومت در لبنان جهت پیوستن به طرح‌های توطئه‌آمیز امریکا - اسرائیل.
- اما با شکست خوردن اهداف یاد شده در بالا و خنثی شدن طرح ضربه زدن به نیروهای فلسطینی و کوبیدن آن‌ها و علی‌رغم توطئه بزرگی که در داخل صفوف نیروهای مقاومت به رهبری عرفات و انحراف او و باز تن ندادن سوریه به دیکته کردن طرح امریکا و نیز عدم توان در ایجاد دولتی قوی و وابسته در لبنان توسط امریکا و اسرائیل، امریکا بار دیگر شیوه دیگری را برای تحمیل پیمان کمپ دیوید پیش می‌گیرد که این راه جدید، راه اردن است.»
- ابوموسی افزود: «دیدیم که رهبری سازمان آزادی‌بخش که در یاسر عرفات و خط او خلاصه می‌شد، به سوی مصر و کمپ دیوید و حسنی مبارک می‌رود، سپس رو به سوی اردن می‌کند و آنچه را که به دروغ "کنفدراسیون" نامیده می‌شود، مطرح می‌سازد اما در حقیقت پایه‌ای برای ایجاد چنین اتحادی وجود ندارد، زیرا در یک طرف کشوری به نام اردن قرار دارد که دارای مؤسسات و نظام منحصر به خود و کشور به معنای کلمه است و در سوی دیگر انقلابی وجود دارد که در همه نقاط جهان پراکنده است که موجودیتی برابر و هم‌سنگ اردن ندارد.

ظاهراً برای توجیه توطئه، چنین اتحادی مطرح می‌شود و بدین ترتیب یاسر عرفات مذاکره در این زمینه را در چیزی به نام قطع‌نامه ۱۱ فوریه به پایان می‌برد که این قطع‌نامه در راستای قطع‌نامه ۲۴۲ شورای امنیت می‌باشد و می‌دانیم که قطع‌نامه ۲۴۲ به نفع مسئله فلسطین و اعراب نیست و یک راه‌حل ملی برای قضیه فلسطین و اعراب نیست و یک راه‌حل ملی برای قضیه فلسطین در آن پیش‌بینی نشده‌است و این زمینه سیاسی بود که قطع‌نامه ۱۱ فوریه براساس آن بنیاد گذاشته شد و از این‌جاست که می‌بینیم امریکا با اصرار و پافشاری می‌کوشد کنفرانس سران عرب پس از گذشت یک زمان طولانی، منعقد شود و در آن، سه مسئله به همان صورتی که اشاره گردید، طرح و عنوان شود.

مسئله اول: مشروعیت بخشیدن به قرارداد ۱۱ فوریه.

مسئله دوم: طرح جنگ عراق با ایران که شاه حسن نیز رسماً به آن اشاره کرده‌است. آن‌ها می‌خواهند تحت یک پوشش کاری سیاسی از سوی رژیم‌های عربی، عراق را در جنگ

علیه جمهوری اسلامی ایران کمک معنوی و اقتصادی و مالی و سیاسی بدهند.

مسئله سوم: بازگشت مصر به جرگه اعراب که ما موکداً می‌گوییم این کنفرانس یک توطئه است. آمدن مصر به سوی اعراب در حالی که قرارداد کمپ‌دیوید را در دست دارد، در حقیقت رفتن اعراب به سوی مصر نامیده می‌شود. قراردادی که یک توطئه علیه مسئله فلسطین است و از این‌جاست که خطر تشکیل این اجلاس را می‌بینیم. برای اولین بار در تاریخ تشکیل اجلاس‌های سران عرب، این بار در حالی که کشورهای مترقی شرکت در آن را تحریم کرده‌اند، تشکیل می‌شود.»

در این‌جا "ابوماهر یمانی" عضو جبهه خلق برای آزادی فلسطین (فرماندهی کل)، در ادامه و در تکمیل صحبت‌های ابوموسی گفت: «در سال ۱۹۷۴ در کنفرانس سران عرب در رباط اعلام شد که سازمان آزادی‌بخش فلسطین تنها نماینده قانونی ملت فلسطین است. اما امروز پس از گذشت قریب ده سال، آن‌ها می‌آیند که بگویند دیگر تنها نماینده قانونی ملت فلسطین "ساف" نیست، بلکه اردن نیز هست و بدین ترتیب قرارداد حسین - عرفات را مشروعیت بدهند؛ قراردادی مخالف منشور سازمان.»

خبرنگار: «حال برمی‌گردیم به عقب، به جنگ ۸۸ روزه لبنان و به دنبال آن، انشعاب شما از سازمان آزادی‌بخش فلسطین. به نظر شما اهداف اسرائیل از این جنگ چه بود و چه نتایجی گرفت؟»

ابوموسی: «دلایل تجاوز اسرائیل به لبنان واضح بود و همان‌طور که رهبری نظامی و سیاسی اعلام کرد، محور عمده آن این بود: کوبیدن انقلاب فلسطین و شکست تفنگ فلسطینی. زمانی که ما در بیروت در محاصره بودیم و به مدت ۸۸ روز از آن دفاع کردیم، در حالی که اختلاف، به‌عنوان تهدیدی در داخل "فتح" و میدان فلسطینی مطرح بود، ما خطر رهبری سازمان را حس کردیم. ما در دو جبهه می‌جنگیم: یک جبهه داخلی و یک جبهه خارجی. در جبهه داخلی، جنگ ما سیاسی بود، برای این که رهبری از هفته اول محاصره به زانو درنیاید و تسلیم نشود.

برادرم ابوماهر در این‌جا یادآوری می‌کند که عرفات روز ۸۲/۶/۱۳ در حالی که از حمله هشت روز گذشته بود، آمادگی داشت که از بیروت صرف‌نظر کرده، سلاح خود را به ارتش لبنان تسلیم کند (ارتشی که در کنار صهیونیست‌های متجاوز به هنگام ورود به لبنان، ایستاده بود) و ما با برافراشتن پرچم‌های سفید، توسط صلیب‌سرخ خارج شویم. اما نیروهای ملی این را فرصتی جهت رویارویی مستقیم با دشمن قلمداد می‌کردند. زمانی که رده‌های دوم تا آخر رهبری نظامی تصمیم به مبارزه گرفتند و ۸۸ روز دشمن را در خارج بیروت نگاه داشته و این طولانی‌ترین جنگ با اسرائیل محسوب می‌شود، عرفات می‌خواست به روند جنگ‌های قبلی با اسرائیل، بعد از چند روز به جنگ خاتمه دهد ولی ما ادامه جنگ را به او قبولاندیم.

پس از خروج، یاسر عرفات را دیدیم که به سوی طرح‌های امریکا گرایش داشت. آخرین موضع‌گیری او در روز ۸۳/۵/۴ به این صورت اعلام شد: خروج نیروهای باقی‌مانده فلسطینی از بقاع و طرابلس و کل لبنان به سوی بغداد. برای ما دو راه وجود داشت: یا به بغداد، تونس و اردن برویم که در این صورت، دیگر نمی‌توانستیم به عرفات "ته" بگوییم، زیرا در یک زندان بزرگ بودیم و یا به او نه بگوییم که این تصمیم آخری به انجام رسید و از این‌جا بود که ستیز در داخل "فتح" آغاز شد و سایه بر میدان فلسطینی و لبنانی انداخت که نیروهای مترقی فلسطینی در کنار ما ایستادند و انقلاب در میدان لبنان ادامه یافت و او رفت که بر دروازه‌های حسنی مبارک و ملک‌حسین گدایی کند.

ابوماهریمانی: «باید گفت که در تجاوز صهیونیست‌ها به لبنان، سه هدف دنبال می‌شد: هدف اول، ضربه زدن به بنیان انقلاب فلسطین؛ هدف دوم، ضربه زدن به نیروهای مترقی لبنان و تحمیل کمپ دیوید بر آن‌ها؛ هدف سوم، اخراج نیروهای سوری از لبنان. آن‌ها می‌خواستند لبنان به یک شهرک اسرائیلی تبدیل شود که شکست خوردند و امروز انقلاب فلسطین برخلاف انتظار آن‌ها دارای همان نیروی اولیه است.

آن‌ها نتوانستند فلسطینی‌ها را اخراج کنند و توافق‌نامه عرفات با "فیلیپ حبیب" مبنی بر اخراج فلسطینی‌ها از لبنان، خنثی شد و ما می‌بینیم اکنون مواضع قبلی خود را در رویارویی با اسرائیل یافته‌ایم. در مورد هدف دوم، امریکا و اسرائیل ابتدا نتوانستند قرارداد ۱۷ مه را به لبنان تحمیل کنند، ولی با گسترش مبارزات نیروهای چند ملیتی و کمک فلسطینی‌ها، سوری‌ها و نقش جمهوری اسلامی ایران از طریق حزب‌الله لبنان، این هدف نیز از بین رفت و قرارداد ملغی شد. هدف سوم نیز می‌بینیم که شکست خورده است و نیروهای سوری در لبنان ماندند و سیاست‌های سوریه در لبنان اجرا می‌شود و لبنان از سیاست‌های این کشور کمک می‌گیرد»^(۲۵)

۵۱۲

امروز شور اول لایحه قانون فروش ارزان و تحویل نفت مجانی به دولت جمهوری سوریه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این قانون، به وزارت نفت اجازه داده شد که به مدت یک سال مقدار یک میلیون تن نفت خام سبک ایران را به صورت مجانی در اختیار دولت سوریه قرار دهد. همچنین تا مقدار پنج میلیون تن نفت خام سبک ایران را با تخفیف ۲/۵ دلار در هر بشکه طبق ضوابط وزارت نفت به دولت سوریه بفروشد. آقای "دری نجف‌آبادی" مخبر کمیسیون برنامه و بودجه در این مورد چنین توضیح داد:

«اصل تصویب این لایحه در کمیسیون برنامه و بودجه روی چند جهت بوده و جهات مختلف سیاسی، نظامی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی داشته‌است. در رابطه با جهات سیاسی قطعاً جمهوری اسلامی ایران باید با کشورهای دیگر رابطه داشته‌باشد؛ بهترین کشورهایی که می‌توانند مورد روابط حسنه ایران قرار بگیرند، در درجه اول کشورهای اسلامی هستند، آن

هم کشورهای انقلابی منطقه و بهترین کشورهای اسلامی در منطقه که از نظر سیاست‌های کلی تا حدود زیادی با جمهوری اسلامی هماهنگی و هم‌فکری و همکاری دارند، یکی از آن کشورها جمهوری عربی سوریه است.

ما در طول این پنج، شش سال گذشته همواره یکی از تقریباً نزدیک‌ترین دوستان‌مان در منطقه و از نزدیک‌ترین کشورهای عربی که با ما هم‌فکری داشته، همکاری داشته، هم در مبارزه با اسرائیل و هم در مبارزه با عراق، هم در مورد همکاری و هم‌فکری در لبنان و در نجات لبنان و در حمایت از حزب‌الله لبنان، کشور جمهوری عربی سوریه بوده‌است ... سوریه همواره از مواضع ما در جنگ دفاع کرده‌است و خط لوله نفتی عراق را که از سوریه عبور می‌کرده را بسته و در حقیقت سالی شاید سیصد میلیون دلار به منافع سوریه ضرر خورده است.»^(۲۶)

۵۱۳

در بازتاب پی‌آمدها و حواشی اجلاس اخیر اوپک که در ۱۳۶۴/۵/۳ به پایان رسید، امروز یک نشریه داخلی سپاه گزارشی منتشر کرد که در آن آمده‌است:

«روزنامه انگلیسی گاردین نوشت: "اجلاس اخیر اوپک با پیروزی قابل توجه کشورهای رادیکال (ایران، لیبی، الجزایر) و شکست تحقیرآمیز پادشاهی سعودی به پایان رسید." به نوشته گاردین، اقتصاد عربستان سعودی رو به وخامت گذاشته است و این مسئله بر دولت آن کشور فشار خواهد آورد تا نسبت به همسایگان خود کم‌تر بخشنده باشد. یادآوری می‌شود پادشاهی سعودی چهارشنبه گذشته خواستار افزایش سهمیه تولید نفت خود شد ولی این تلاش با تهدید ایران به ترک جلسه، خنثی گردید.»

در ادامه گزارش، ذیل عنوان "ملاحظه"، آمده‌است:

«۱- آقای مهندس "غرضی" وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران، در گفت‌وگو با خبرنگاران (در پایان هفتاد و چهارمین اجلاس اوپک) از شتاب و تمایل عربستان سعودی برای کاستن دائمی قیمت نفت اوپک ابراز تأسف کرد.

۲- در اجلاس مذکور اوپک با رأی موافق ده عضو، بهای نفت سنگین را نیم دلار و قیمت نفت متوسط را بیست سنت پایین آورد که کشورهای ایران، الجزایر و لیبی با این تصمیم مخالفت کردند.

۳- به گفته منابع بانکی، چهار مؤسسه مالی عرب خود را از مذاکرات مربوط به تأمین اعتباری قریب به ۲۸۰ میلیون دلار جهت احداث یک خط لوله متعلق به رژیم عراق از طریق خاک عربستان سعودی، کنار کشیدند.»^(۲۷)

۵۱۴

در ادامه تحرکات ایذایی جدید گروه‌های محارب بر ضد جمهوری اسلامی ایران - که به مناسبت انتخابات ریاست جمهوری انجام می‌شود - امروز نیز در تهران یکی از فروشگاه‌های

زنجیره‌ای شهر و روستا واقع در خیابان ۱۷ شهریور جنوبی با مواد آتش‌زا به آتش کشیده شد. همچنین یک عدد کوکتل مولوتف به داخل بانک صادرات شهرستان مشهد پرتاب شد که عمل نکرد، اما شیشه بانک شکسته شد.^(۳۸) امروز همچنین با انفجار یک مین در داخل تونل خط ایستگاه راه‌آهن رازی آذربایجان، این خط موقتاً مسدود گردید.^(۳۹)

۵۱۵

واحد سیاسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم از برنامه‌های اعلام شده سازمان مجاهدین خلق درباره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، گزارشی در سطح محدود منتشر کرد. متن گزارش که با استفاده از مطالب رادیو بغداد و رادیو مجاهد تهیه شده، چنین است:

«سازمان منافقین در رابطه با انتخابات اخیر، از دهم الی ۲۵ مرداد ماه را هفته‌های مقاومت و اعتراض معرفی کرده و در همین رابطه برنامه و دستورالعمل‌هایی را به هواداران اعلام کرده است. هدف و انگیزه این تلاش‌های جدید سازمان چنین توضیح داده شده:

"برای رژیم مسئله انتخابات ریاست جمهوری مطرح نیست، (بلکه) مسئله این است که خود را در برابر نیروهای مخالف با ثبات نشان دهد و همچنین (ثابت کند که در بین) مردم ایران منزوی نشده و دارای حامی و پشتیبان است؛ دقیقاً به همین خاطر است که ما برآنیم تا با برگزاری دو هفته اعتراض بساط این انتخابات قلابی را درهم بریزیم"

رهبر منافقین در همین مورد از هواداران خود می‌خواهد که "با افشای تمام عیار خصلت مشمزمز کننده انتخابات رژیم، پوسیدگی و انزوای مطلق این رژیم نامشروع و ضدبشری را به نمایش بگذارید."

در همین رابطه از سوی سازمان منافقین رهنمودها و دستورالعمل‌هایی تنظیم شده و به هواداران ابلاغ کرده که بعضی محورهای آن عبارت است از:

"بخش تراکت به شیوه علنی در اماکن از قبیل پل‌های مرتفع و ساختمان‌های بلند در کارخانه‌ها و [...]؛ تخریب عکس‌ها و پوسترهای تبلیغات انتخابات؛ به آتش کشیدن مراکز وابسته به دشمن؛ فعالیت دسته جمعی برای تحریم انتخابات."

سازمان منافقین در انجام این به اصطلاح عملیات، نکاتی از قبیل زیر را نیز یادآور و گوش‌زد می‌کند:

"دو مسئله اساسی که بایستی در مرحله آماده‌سازی به آن پردازید، حل مسئله وسیله نقلیه و مسئله شناسایی سوژه‌های مناسب می‌باشد. بایستی برای تضمین موفقیت خود در انجام این وظایف، عنصر حساب‌شده‌گی و دقت را از ابتدا تا انتهای فعالیت‌تان به کار گیرید و [...]»^(۳۰)

ضمیمه گزارش ۵۰۸: گزارشی از ماجرای مکفارلین

یادآوری می‌شود براساس گزارش مجله "تایم" چاپ آمریکا، با عنوان "گاه شمار رابطه با ایران" - که خبر مورد بحث بخشی از آن است - این جلسه، ادامه روندی است که از آبان ۱۳۶۳ آغاز شده‌است. در این گاه‌شمار ذیل تاریخ "نوامبر ۸۴" چنین آمده‌است:

«به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، "منوچهر قربانی‌فر" معامله‌گر ایرانی اسلحه، با "تئودور شالکی" مأمور سابق سازمان سیا در آلمان غربی، تماس می‌گیرد. قربانی‌فر پیشنهاد می‌کند که گروگان‌های آمریکایی در بیروت، در ازای فروش تسلیحات آمریکایی به ایران، آزاد شوند. شالکی این پیشنهاد را به مقامات ایالات متحده تسلیم می‌کند.»^(۳۱)

یادآوری می‌شود این معامله سری سلاح در برابر گروگان که در ایران به ماجرای "مکفارلین" و در آمریکا به "ایران - کنترا" و نیز "ایران - گیت" شهرت دارد، در آبان ۱۳۶۵ افشا گردید و آقای هاشمی‌رفسنجانی به دستور امام خمینی در نماز جمعه تهران مفصلاً گزارشی از آن بیان کرد و به‌خصوص به جایگاهی که برای اسرائیل در این پروژه قرار داده شده بود تا ایران را متهم به رابطه با اسرائیل کنند و در جهان اسلام و عرب تضعیف نمایند، اشاره کرد. افشای این ماجرا برخلاف ایران، در آمریکا بحران ایجاد کرد و هیئتی ویژه مأمور بررسی این کار شد که گزارش آن هیئت از ماجرای "مکفارلین" به گزارش "تاو" موسوم گردید.

در گزارش تاو هر چند آشکارا مواردی را که امنیت ملی آمریکا را تهدید کرده‌است، مسکوت گذاشته شد و به‌خصوص از ذکر برتری‌های ایران در این معامله اجتناب شده‌است ولی در مجموع نکات قابل توجهی از روند این ماجرای پر سر و صدا در خود دارد. در این گزارش درباره تصمیم‌گیری امروز ریگان و مکفارلین و نیز مخالفت‌های شولتز و واینبرگر چنین آمده است:

«شولتز وزیر خارجه آمریکا به هیئت تاو گفت که در ۶ اوت ۱۹۸۵ (۱۳۶۴/۵/۱۵) در خلال یکی از ملاقات‌های معمولش با رئیس‌جمهوری، او پیشنهاد انتقال ۱۰۰ موشک تاو از اسرائیل را با رئیس‌جمهور مورد مذاکره قرار داد که در ازای آن ایرانیان قرار بود آزادی چهار گروگان یا بیش‌تر را فراهم آورند. شولتز گفت که او در مذاکراتش با رئیس‌جمهوری با فروش اسلحه مخالفت نمود. او گفت مکفارلین نیز در ملاقات حضور داشت. شولتز تماس تلفنی مکفارلین را در مورد تصمیم رئیس‌جمهوری به یاد نمی‌آورد. «واینبرگر» وزیر دفاع، ملاقات با رئیس‌جمهور را در اقامتگاه وی پس از مراجعت رئیس‌جمهور از بیمارستان به‌خاطر می‌آورد. وی به هیئت اظهار داشت که نظیر شولتز به شدت با ارسال اسلحه به ایران مخالفت کرد و اندیشید که رئیس‌جمهور موافقت کرد که این ایده دیگر دنبال نشود.»^(۳۲)

یادآوری می‌شود که جلد چهل و چهارم روزشمار جنگ با نام ماجرای "مکفارلین" مربوط به مقطع زمانی افشای این ماجرا می‌باشد. این کتاب که در سال ۱۳۸۰ انتشار یافته‌است حاوی جمع‌بندی نسبتاً کاملی از این ماجرا می‌باشد که خواننده مطلب حاضر را به مطالعه آن سفارش می‌کنیم، هر چند بازتاب‌ها و جوانبی از ماجرا و به‌خصوص سیر بازجویی عناصر دست‌اندرکار را که در آمریکا انجام شده، می‌یابد در جلد چهل و پنجم روزشمار جنگ و بعد از آن مطالعه کرد.

منابع و مآخذ روز شمار ۱۳۶۴/۵/۱۵

- ۱- سند شماره ۶۳۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "قدس ۵"، گزارش راوی: عملیات قدس ۳ (سید محمد فاطمی)، ص ۱۱.
- ۲- همان، ص ۳۰.
- ۳- همان، ص ۱۱۰.
- ۴- همان، ص ۸۰.
- ۵- همان، ص ۹۰.
- ۶- همان، ص ۸۰.
- ۷- همان، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۸- همان، ص ۱۴.
- ۹- همان، ص ۱۵.
- ۱۰- روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۵/۱۵، ص ۱۸۰.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۴۰ (۱۳۶۴/۵/۱۶)، صص ۳۰ و ۳۱، رادیو بی.بی.سی.
- ۱۳- خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه "گزارش‌های ویژه"، شماره ۱۴۱ (۱۳۶۴/۵/۱۷)، ص ۱۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۱۵ از سوئد.
- ۱۴- دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، بولتن "رویدادها"، شماره ۵۶ (۱۳۶۴/۵/۲۵)، ص ۷، خبرگزاری یونایتدپرس.
- ۱۵- مآخذ ۱۳، صص ۱۴ و ۱۵، خبرگزاری جمهوری اسلامی از استکهلم، ۱۳۶۴/۵/۱۵.
- ۱۶- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، نشریه "بررسی"، شماره ۳ (۱۳۶۵/۱۰/۱۹)، صص ۳۶ و ۳۷، به نقل از مجله "تایم".
- ۱۷- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴/۵/۱۵، ص ۷، به نقل از مجله انگلیسی "عربیا".
- ۱۸- مآخذ ۱۰، ص ۳۰.
- ۱۹- مآخذ ۱۲، ص ۲۳، رادیو امریکا، ۱۳۶۴/۵/۱۵.
- ۲۰- مآخذ ۱۲، صص ۲۷ و ۲۸، رادیو بی.بی.سی، ۱۳۶۴/۵/۱۵.
- ۲۱- مآخذ ۱۰، ص آخر، خبرگزاری فرانسه.
- ۲۲- مآخذ ۱۳، ص ۱۷، خبرگزاری فرانسه، ۱۳۶۴/۵/۱۶.
- ۲۳- مآخذ ۱۰، ص آخر.
- ۲۴- مآخذ ۱۲، صص ۵ و ۶.
- ۲۵- روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۵/۱۵، ص ۳.
- ۲۶- اداره کل تندنویسی مجلس شورای اسلامی "روزنامه رسمی" مشروح مذاکرات جلسه علنی مجلس، دوره دوم، جلسه ۱۶۶ شماره ۱۱۸۱۸، صص ۲۷ و ۲۸ (۱۳۶۴/۵/۱۵).
- ۲۷- دفتر سیاسی نمایندگی امام در سپاه، بولتن "رویدادها"، شماره ۵۵ (۱۳۶۴/۵/۱۵)، ص ۳۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، به نقل از روزنامه گاردین.
- ۲۸- سند شماره ۲۰۰۳۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: "گزارش روزانه"، شماره ۱۸ (۱۳۶۴/۵/۱۸)، ص ۱.
- ۲۹- سند شماره ۲۰۰۳۱، "گزارش روزانه"، شماره ۱۷ (۱۳۶۴/۵/۱۷)، ص ۲۰.
- ۳۰- واحد سیاسی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نشریه "گزارش"، شماره ۶ (۱۳۶۴/۵/۱۵)، صص ۳۹ و ۴۰.
- ۳۱- مآخذ، ۱۶.
- ۳۲- سند شماره ۰۰۲۲۸، گزارش "ناور"، ترجمه وزارت خارجه، جلد ۱ (۱۳۶۴/۵/۱۵)، صص ۴۸ و ۴۹.